

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»

سال چهارم/ شماره دوم/ تابستان ۱۳۹۵

قرآن پیشگام در عرصه ی داستانک مطالعه موردی آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نحل

جلال مرامی<sup>۱</sup> و مینا عربی<sup>۲</sup>

چکیده:

امروزه ملاحظه می شود که به میراث فرهنگ و تمدن اسلامی لباس جدیدی پوشانده شده و با ارائه آن در نظام و قالب و چارچوبی امروزی به عنوان ابداعات عالم غربی و محصول تفکر دانشمندان و نظریه پردازان غربی معرفی می شود؛ اما بررسی ها بیانگر این حقیقت است که برخی از آنچه ابداع غربی خوانده می شود، میراث اسلامی ماست که در لباسی نو به ما بازگردانده می شود. یکی از این موارد داستان خیلی کوتاه یا همان داستانک است که محصول ادبیات غربی در دوره معاصر خوانده می شود. بنا بر نظر شایع، داستانک در پاسخ به شرایط سال های پایانی قرن بیستم پا به عرصه ادبیات غربی گذارد و جنبش فرمالیسم اولین نظریات را درباره داستان خیلی کوتاه ابراز داشت، و سپس نگارش داستانک به آثار ادبی دیگر کشورها راه یافت. این در حالی است که با مراجعه به قرآن نمونه هایی با ویژگی های گونه ادبی داستانک دیده می شود. این داستانک ها گاه برشی از زندگی یکی از پیامبران الهی و گاه پدیده ای اجتماعی را دستمایه خود قرار داده و از این رهگذر هدف تربیتی- ارشادی خود را دنبال می کند. یکی از نمونه های داستانک قرآنی، آیه ۵۸ و ۵۹ سوره مبارکه نحل است، که پدیده شوم زنده به گور کردن دختران را در کمتر از دو سطر در قالب داستانک به تصویر و نقد کشیده است. وجود چنین نمونه های فاخری از داستانک در قرآن کریم ادعای غربی و ابتکاری بودن این گونه ادبی را کاملاً به حاشیه می راند.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، ادبیات داستانی، داستانک، سوره نحل، میراث اسلامی

---

\*\*تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۹/۱۴

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: جلال مرامی؛ استادیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

jalalmarami@yahoo.com

<sup>۲</sup> مینا عربی؛ دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) 7tharabi@gmail.com

## مقدمه:

قرآن کریم به ادعان ادبای مسلمان و غیر مسلمان کتابی در بالاترین سطوح ادبی است. این کتاب نورانی که معجزه پیامبر خاتم است، در میان مردمانی فرود آمد که به ادبیات بیش از هر چیز دیگر بها می دادند و ظهور یک شاعر خطیب در میان قبیله یکی از مفاخر ایشان بشمار می رفت. (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۷۷: ۶۲) مردمان متعصب شبه جزیره عربستان به واسطه همین معجزه به سنت پیشینیان خود پشت کرده و مسلمان شدند؛ و این خود نشانگر جایگاه ادبی رفیع قرآن کریم است. با این همه جمال لفظ و معنا در قرآن نه هدف نزول این کتاب آسمانی، بلکه ابزاری در خدمت تربیت انسان بوده وهست. خداوند تبارک و تعالی به فرموده رسول اکرم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، القلم، ۴) ایشان را برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث کرد. این کتاب علمی - تربیتی - ادبی معجزه تمام دوران است و هر روز زاویه ای از زوایای عظمت آن بر انسان نمایان می شود، به طوری که ردپای کشفیات دانشمندان که با صرف زمان طولانی و به پشتوانه تحقیقات پیشینیان حاصل می آید، را می توان در قرآن کریم دنبال کرد. با توجه به این جایگاه رفیع و اختصاص یکی از مهمترین کارکردهای این کتاب الهی به تربیت نسل بشر، عجیب نیست که بهترین روش های تربیتی در آن بکار رفته باشد. یکی از این روش ها استفاده از ابزار قصه است. نقش تربیتی قصه از دیرباز مورد توجه بوده و وجود داستان های بیشمار در ادبیات کهن جهان بر این ادعا مهر تأیید می زند. از روزگاران کهن مادران از رهگذر همین قصه ها فرزندان خود را با راه و رسم زندگی آشنا کرده اند و این روشی است که هنوز کاربرد دارد. قرآن کریم با توجه به این راهکار تربیتی، سرگذشت اقوام پیشین و یا افراد و شخصیت های خاص را حکایت کرده، تا در همه اعصار مضامین راهگشای تربیتی را به انسان یادآوری کند.

البته برخی قصه های قرآنی را از قصه های ادبی متفاوت می دانند. آنان معتقدند «تنها بخشی از خبرهای قرآنی که هم عناصر هنری قصه در آن حضور داشته و هم به نحو قابل توجهی به آن ها پرداخته شده باشد، زیر نام قصه جای می گیرند. عده ای هم بر آنند که هر ذکر خبری از اقوام پیشین، قصه قرآنی قلمداد می شود، مانند قصه اصحاب فیل و اصحاب اُحدود.» (حسینی، ۱۳۷۹: نسخه الکترونی) با این حال بررسی انواع قصه در قرآن کریم امری است که در مسیر شناخت این کتاب مقدس ضروری به نظر می رسد. از همین

رهگذر لازم است انواع داستان بلند، کوتاه و خیلی کوتاه در قرآن جستجو و نمونه های هر یک مورد بررسی قرار گیرد. بیشترین داستان های قرآنی که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته داستان حضرت یوسف (ع)، داستان حضرت آدم (ع)، و داستان حضرت موسی (ع) است. داستان اقوام پیشین نیز در درجه دوم توجه قرار دارند. اما نظر به سابقه کوتاه آشنایی مردم با داستان های خیلی کوتاه، پژوهش های زیادی در خصوص این گونه ادبی در قرآن کریم صورت نپذیرفته است.

### بیان مسأله و اهمیت آن:

داستان خیلی کوتاه گونه ای ادبی است که محصول ادبیات غربی در دوره معاصر خوانده می شود، اما با مراجعه به قرآن نمونه هایی را می بینیم که شاخصه های داستان خیلی کوتاه در آنها وجود دارد. حال باید دید با این وصف آیا می توان این گونه ی ادبی را محصول دوره معاصر دانست؟ پاسخ به این سؤال مستلزم شناخت ویژگی های داستان خیلی کوتاه و تطبیق آن بر نمونه های قرآنی - که از همین سنخ به نظر می رسند- است. بررسی این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که با تأیید وجود نمونه هایی از داستان خیلی کوتاه در قرآن کریم نه تنها جایگاه ادبی این کتاب آسمانی روشن تر می شود، بلکه موضوع معاصر و غربی بودن داستانک نیز زیر سؤال می رود.

### سوالات و فرضیه ها:

اصولاً در روزگار فعلی شاهدیم که میراث فرهنگ و تمدن اسلامی لباس جدیدی پوشانده شده و با نظام مند کردن و ارائه آن در قالب و چارچوب های امروزی به عنوان ابداعات عالم غربی و محصول تفکر دانشمندان و نظریه پردازان غربی معرفی می شود. حال آنکه گاهی بررسی ریشه ها و مضامین آنچه ابداع غربی خوانده می شود، روشن می کند که این ابداعات میراث ماست که در لباسی نو به ما بازگردانده می شود؛ "هَذِهِ بَضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا" (یوسف، ۶۵)

برای رسیدن به حقیقت امر در خصوص منشأ پیدایش گونه ادبی داستان خیلی کوتاه لازم است بدانیم: ویژگی های اولیه و ثانویه داستانک چیست؟ آیا در قرآن کریم نمونه هایی یافت می شود که ویژگی های مورد نظر بر آن قابل انطباق باشد؟ پس از پاسخ به این

سؤالات تطبیق و بزرگی های داستان خیلی کوتاه بر نمونه های قرآنی به عنوان تلاشی عملی برای اثبات وجود داستان خیلی کوتاه در قرآن کریم حائز اهمیت است.

### پیشینه تحقیق:

پژوهش درباره داستانک قرآنی مسبوق به سابقه نیست، ولی درباره داستانک فنی و داستان قرآنی کتاب های متعددی به زبان فارسی و عربی نوشته شده است، که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. «القصه القصیره جداً - مقارنة تحليلية» نوشته احمد جاسم حسین؛ این کتاب که به تعریف، تحلیل، نظریه پردازی، ارزیابی و راهنمایی درباره داستانک عربی می پردازد، در نوع خود پیشتاز بوده و اولین کتابی است که با این موضوع به نگارش درآمده است.

۲. «القصه القصیره جداً بین النظرية والتطبيق» نوشته یوسف الحطینی، که مهمترین کتاب نقدی عربی در این موضوع است، تلاش دارد چارچوبی نظری و تطبیقی برای داستانک ترسیم کند و به ارزیابی مجموعه نشست هایی که تا زمان نگارش کتاب با محوریت داستانک در کشور سوریه برگزار شده، پرداخته است.

۳. «شعرية القصه القصیره جداً» نوشته خلف إلیاس؛ در این کتاب چهار جلدی نویسنده افزون بر بررسی ریشه های تاریخی داستانک در رد نظریه قائل به جدید بودن این گونه داستانی و توضیح پیرامون ارکان ساختاری آن، مفهوم شعرگونگی داستانک و نقش عاطفه در آن را عمیقاً مورد بررسی قرار می دهد.

۴. «القصه القصیره جداً بالمغرب مسار وتطور» نوشته جمیل الحمداوی، که سیر تحولات داستانک در کشور مغرب را مورد بررسی قرار می دهد. الحمداوی مقالات زیادی نیز درباره داستانک نوشته است که در مجلات کشور مغرب به چاپ رسیده و نسخه هایی از آن بر روی سایت های عربی قابل مشاهده است.

۵. «داستانک (فلش فیکشن)» و «ریخت شناسی داستان های مینی مالیستی» نوشته محمد جواد جزینی، مؤلف در این دو کتاب به معرفی داستان های مینی مالیستی و

انواع آن پرداخته و ویژگی های اصلی این داستان ها را بر می شمرد و نیز به سابقه داستان های مینیمالیستی در ایران می پردازد. این کتاب ها اولین تلاش های نویسندگان ایرانی درباره این گونه داستان هاست و در نوع خود بسیار حائز اهمیت و ارزشمند است.

۶. «قصص قرآن» نوشته صدرالدین بلاغی؛ که به ضمیمه فرهنگ قصص قرآن ارائه شده و قصه را به مفهوم عام آن در قرآن کریم مورد بررسی و معرفی قرار می دهد.

### اهمیت و نوآوری موضوع:

با نگاهی به عناوین کتاب های فوق روشن می شود که آثار تألیف شده هیچ یک داستانک قرآنی را مورد نظر قرار نداده اند و بجز دست نوشته هایی از برخی نویسندگان عرب زبان در سایت های اینترنتی، پژوهشی در حیطه این موضوع صورت نگرفته است. برخی نیز به لحاظ اعتقاد به معاصر بودن داستانک، وجود داستانک قرآنی را انکار می کنند و حداکثر وجود چیزی مشابه داستانک را در قرآن می پذیرند، که در این مقاله به بررسی صحت و سقم این ادعا پرداخته و اثبات کرده ایم که داستانک هایی برخوردار از ویژگی داستانک های فنی معاصر در قرآن وجود دارند.

ما در این مجال می کوشیم با رویکرد پژوهش توصیفی- تحلیلی وجود نمونه های داستان خیلی کوتاه در قرآن کریم را مورد ارزیابی قرار دهیم. در این راستا پس از تعریف داستانک و عناصر آن، داستانک قرآنی سوره مبارکه نحل را بر این عناصر عرضه کرده و نشان می دهیم که عناصر مذکور در این داستانک قرآنی قابل بازشناسایی است.

### داستانک (Flash Fiction):

«داستان کوتاه کوتاه که از آن به داستانک نیز یاد می شود را «اتم شکافته شده ی داستان کوتاه» نامیده اند. در نگاه نخست داستانک گاهی به نظر شبیه طرح اولیه ای برای نوشتن رمان و یا داستان کوتاه است. ایجاز مهمترین کارکرد در نوشتن این گونه ی ادبی است. این نوع داستان اغلب داستان هایی حادثه محور هستند که بر یک بزنگاه تکیه دارند.»(ن.ک: جزینی، 1390: 7,12,13)

از دیگر عناوینی که بر داستانک اطلاق می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد: فلشر، داستان مینی مال، (Flash Fiction) خرده داستان، داستان برق آسا، فلش فیکشن، (Skeletal Fiction) داستان های قوطی کبریتی، داستان طرح وار (Furious) داستان آتشین، (Skinning Fiction) داستان لاغر، داستان ناگهانی، (Micro Fiction) داستان کوچک، (Quake Fiction) داستان برق آسای لرزان، (Sudden Fiction) داستان کارت پستال (Fiction Post Card)، داستان تند (Fast Fiction)، داستان کنسرو شده و ... (ن.ک: دولیتیان، ۱۳۸۸: ۶۹)

«در زبان فارسی، داستانک، کمینه گرایی و خردگرایی (مینی مالیسم) را مقابل کلان گرایی یا انبوه نویسی یا ماکسی مالیسم (Maximalism) می دانند. خردگرایی یا موجزنویسی یا حداقل گرایی شیوه ای است روایتی یا نمایشی که با کمترین عناصر ضروری معمولاً در شکلی کوتاه مثل لطیفه، طرح کوتاه نمایشی، تک گوئی، داستانک و ... ارائه شود.» (محمد علی، ۱۳۹۰: ۱) «مینی مالیست ها در فشرده گی و ایجاز تا آنجا پیش می روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه ترین شکل باقی بماند، به همین دلیل برهنگی واژگانی و کم حرفی از محرزترین ویژگی های این آثار بشمار می رود.» (جزینی، ۱۳۹۴: ۱۶)

داستانک بهترین شکل بازتاب دهنده فلسفه مینی مالیسم در ادبیات داستانی است که موجز نویسی در آن نمودی کامل یافته است. ویژگی های داستانک را می توان به این ترتیب عنوان کرد: از داستان های کوتاه کوتاه ترند، حادثه محورند و بر یک بزنگاه تکیه دارند، طرحی ساده، سر راست و خطی دارند، در زمان و مکان محدودی رخ می دهند، کم شخصیت اند، به زبانی ساده و شفاف روایت شده اند، بر عنصر گفتگو تکیه دارند، شروعی سریعی، معمولاً ساختاری ساده، جوهره داستانی قوی دارند و درونمایه حسی دارند و به شیوه تک کنش روایت می شوند. (ن.ک: همان، ۱۱-۲۱)

ادبای عرب درباره ارکان داستانک نظر متفاوتی دارند، هرچند در بین ایشان نیز اختلاف نظر مشاهده می شود. از بین ایشان احمد جاسم حسین ارکان اساسی داستانک را داستانی بودن، جرأت و جسارت، یکپارچگی و فشرده گی عنوان می کند. (ن.ک: الحسین، ۱۹۹۷: ۳۳) نبیل مجلی پژوهشگر سوری که ویژگی های داستانک را در قالب شعر بیان داشته این ارکان را روایتگری، فشرده گی، یکپارچگی، تناقض و فعلیه بودن جمله نام می برد. (ن.ک:

الحمداوی، ۲۰۱۳) لبانه موشح نیز این ارکان را منحصر در روایی بودن، فشردگی و پایان غیر منتظره می داند. (ن.ک: أعضشو، ۲۰۱۳) دیدگاه های دیگری نیز هستند که در برخی نقاط با ویژگی های مذکور مشترک و در برخی نقاط متفاوتند، اما همه ویژگی فشردگی در داستانک را تأیید می کنند.

### پیدایش داستانک

برخی ادبا داستانک را امتداد میراث ادبی گذشته می دانند که در قالب های فکاهه، و حکایت نمود یافته است. احمد جاسم حسین داستانک را با ادبیات عربی مرتبط دانسته و در عین حال داستانک فنی را در سطح بالاتری ارزیابی می کند. (ن.ک: الحسین، ۱۹۹۷: ۴۰) حمداوی نیز میراث ادبیات عربی را مجموعه ای از اشکال روایی نزدیک به داستانک و داستانک را دنباله اخبار نادر، نکته ها، قصه ها، حکایات، و دیگر صورت های ادبی عربی معرفی می کند. (ن.ک: یوب، ۲۰۱۵: ۴۲) سرشار نیز با اعتقاد به امکان جستجوی ویژگی های داستانک در حکایت، در مقاله ای با عنوان «حکایت و مختصات آن» می گوید: «برخی آثار کوتاه منتشره از فرانسیس کافکا یا با تفاوت هایی مینیمالیسم – با آن تعریف هایی که از خصایص آن شده است – و یا داستان کوتاه کوتاه، هر یک از جنبه هایی به حکایت شبیه و نزدیکند». (سرشار، ۱۳۷۷: ۲۲)

با این حال عموماً دهه ۹۰ قرن گذشته را زمان پیدایش جدیدترین شکل داستان سرایی یا همان داستانک می دانند و شکل گیری آن را پاسخی به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این دوران، و پریشانی انسان معاصر گرفتار در شرایط پیچیده این عصر ارزیابی می کنند. سرعت زیاد زندگی در عصر حاضر را نیز دومین عامل تأثیرگذار در پیدایش این پدیده می دانند. بنا بر برخی آراء، جهانی شدن و سرمایه گذاری و رقابت انسان مدرن بویژه نسل فرهیخته انسان نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در این عرصه بشمار می رود؛ چرا که این رخدادهای آرامش انسان معاصر را سلب کرد، آهنگ کند زندگی را تغییر داده، و او را به سوی مسابقه ای مادی، معنوی و رقابت در زمینه نوآوری و تمدن برای اثبات وجود و تملک سهم خود سوق داد. (ن.ک: الحمداوی، ۲۰۰۶) مطابق این دیدگاه در چنین شرایطی جنبش فرمالیست در غرب اولین نظریات را درباره داستان خیلی کوتاه ابراز داشت. این گروه خیزش های فلسفی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم را نیز در به وجود آمدن داستان

خیلی کوتاه یا به عبارت دیگر داستان مینی‌مالیستی، مؤثر می‌دانند. مینی‌مالیسم تجلی و بروز تلاش فرمالیست‌ها در ایجاد شکل‌های جدید داستان‌نویسی معرفی می‌شود؛ تلاشی در جهت تجربه‌های نو در پدید آوردن شیوه‌های تازه که شعار اصلی فرمالیست‌ها بود. (ن.ک: محمد علی، ۱۳۹۰: ۱۲) گروهی نیز بر این باورند که حتی اگر دلایل یاد شده را در شکل‌گیری ژانر داستانک مؤثر بدانیم، اما باید توجه داشته باشیم که هنوز رمان‌ها هستند که آمار پر فروش‌ترین کتاب‌های سال را به خود اختصاص می‌دهند و با توجه به این نکته این سؤال مطرح می‌شود که آیا به راستی سرعت عصر حاضر مردم را به مطالعه داستانک‌ها سوق داده و یا ما در مواجهه با داستانک، در مقابل یک تلاش آکادمیک برای خلق آثار نو و تازه هستیم؟ به عبارت دیگر، داده‌های بازار فروش کتاب ادعای جذب شدن مردم به مطالعه داستانک به علت بی‌حوصلگی حاصل از عصر مدرنیته را تأیید نمی‌کند.

از سویی انسان اعم از اینکه در گذشته یا حال زندگی کند، موجودی است با حالات روحی متفاوت، گاه سرخوش و پر حوصله، و گاه کسل و کم‌حوصله؛ از این رو در عصور مختلف شاهد پیدایش آثاری متناسب با این حالات در پاسخگویی به این ویژگی بوده‌ایم. چنانچه در بررسی میراث ادبی کشورهای مختلف، آثار بسیار کوتاهی نظیر حکایات را می‌یابیم، که به سرعت خواننده و معنا را به خواننده منتقل می‌کنند. در قرآن کریم نیز بی‌شک به این موضوع توجه شده و شاید بتوان این امر را یکی از دلایل تفاوت طول داستان‌های قرآنی در سوره‌های مختلف دانست. با این همه تفاوت‌های داستان‌های بسیار کوتاه دوره‌های مختلف از نظر ویژگی‌های متمایز کننده بر کسی پوشیده نیست.

## داستان در قرآن

### مفهوم قصه قرآنی:

واژه «قصه» یا «قصص» در قرآن کریم به معنای داستان بکار رفته است. این واژه از ریشه «قَصَّ یَقُصُّ» به معنای بریدن اشتقاق یافته است. عبارت «قَصَّ أَثْرَهُ» نیز به معنای دنبال کردن رد پاست. (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۵۴۳) با این وصف قصه برشی از واقعیت است که رد اتفاقات را دنبال می‌کند تا به هدف مورد نظر برسد.

قصص در نگاه قرآن عبارت است از بیان ماجراهای گذشته با هدف عبرت گیری؛ و پیگیری و بیان یک واقعیت تاریخی از زوایای گوناگون در جهت شکوفایی انسان از بعد هدایتی. لذا قرآن کریم در صدد بیان یک ماجرا به صورت تمام و کمال نیست، بلکه آن بخش هایی از ماجرا را گزینش می کند که هدایتگر باشد.... بنابراین قصه گفتن قرآنی یعنی پی گرفتن اخبار گذشتگان؛ امری که در بیان قرآن کریم نیز بدان تصریح شده است (اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۳۸): ( لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِنَّ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - يوسف: ۱۱۱)

### انواع قصه قرآنی:

داستانهای قرآن را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. داستانهای بلند: داستانهایی چون زندگی حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) از آن جمله اند. این داستانها، دارای پرده های نمایش و حلقه های متعدد و پشت سر هم است. کل سوره یوسف، روایت داستانی زندگی این پیامبر است و هیچ گفتاری، پیوستگی حلقه های این حکایت را قطع نمی کند.

۲. داستانهای نیمه بلند: داستانهایی چون داستان حضرت آدم (ع)، حضرت نوح (ع) و حضرت داوود (ع). پرده های نمایش این داستانها، چندان پر شمار نیست و با شروع رسالت الهی آنان آغاز، و با دعوت به یکتاپرستی و مسایل مربوط به آن ادامه و پایان می یابد.

۳. داستانهای کوتاه: این داستانها یا مانند داستان حضرت صالح (ع)، به ذکر مقطعی از دوران نبوت ایشان می پردازد و یا مانند داستان حضرت زکریا (ع) در حد اشاره ای مختصر تمام می شود.

نکته شایان توجه در قصه های قرآن کریم تفاوت ریشه ای این قصه ها با قصه های بشری است. این قصه ها رخداد اصلی را با شرح و تفصیلات روایت می کند، اما قصه های قرآنی بیشتر در قالب قصه کوتاه و یا قصه خیلی کوتاه می گنجند.

در این مجال با تطبیق ویژگی هایی که پیشتر برای داستان خیلی کوتاه نام بردیم سعی داریم جایگاه این گونه ی ادبی در قرآن کریم را با تکیه بر داستانک آیات ۵۸-۵۹ سوره مبارکه نحل مورد بررسی قرار دهیم.

### سوره مبارکه نحل:

سوره مبارکه نحل شانزدهمین سوره قرآن و شامل ۱۲۸ آیه است. خداوند متعال در این سوره نعمت های خود بر انسان را برشمرده و با تأکید بر نظام حکیمانه حاکم بر عالم هستی بر ربانیت خود و بطلان اوهام مشرکان و ناکامی آنان در غلبه بر حق استدلال می کند و کیفر دیدن کافران امت های پیشین و پسین در روز قیامت که روز تمییز حق از باطل است را یادآور می شود. (ن.ک: طباطبایی، سوره نحل)

آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نحل نقد یکی از جلوه های فرهنگ حاکم بر زندگی گروهی از اعراب جاهلی است. آنان به گواهی قرآن کریم دختر را ننگ و عار می دانستند، و چون خبر دختر دار شدن به آنان می رسید از شدت خشم چهره شان سیاه می شد و در دو راهی عاطفه و آنچه شرف می پنداشتند حیران و سرگردان می ماندند. این آیات شریفه با به تصویر کشیدن لحظاتی از زندگی یکی از این اعراب، پدیده اجتماعی و شوم زنده به گور کردن دختران را به نقد کشیده و تقبیح می کند و در انتهای آیات می فرماید: ( أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ )

روایت این قصه در کمتر از دو سطر انجام یافته است، این قصه حادثه محور و محدود به زمانی کوتاه و مکانی مشخص است و عناصر داستانی اعم از شخصیت و طرح داستانی و ... که در داستان فنی هم وجود دارد، در آن دیده می شود.

### داستانک سوره نحل

در آیات ۵۸ و ۵۹ این سوره مبارکه چنین می خوانیم:

( وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ - النحل: ۵۸-۵۹)

برای اثبات قرار گرفتن این داستانک قرآنی ذیل عنوان گونه ی ادبی داستانک ویژگی های آن را با ویژگی های داستانک معاصر مقایسه کنیم تا از این رهگذر ثابت کنیم که داستانک ریشه ای قرآنی دارد. البته قرآن کریم اصل و اساس همه چیز است، و غرض ما معیار قرار دادن داستانک انسان نوشت نیست ولی برای اثبات عقیده خود ناگزیر از این مقایسه هستیم.

در خصوص ارکان داستانک، آنچه همه اهل فن بر آن اتفاق نظر دارند، لزوم برخورداری آنچه داستانک تلقی می شود، از ویژگی های داستانی بودن و کوتاه بودن متن و حادثه داستان و پایان تکان دهنده و فشرده گی (در برداشتن مفاهیم بسیار در حجم کم) است، که در این مجال به بررسی آن ها در داستانک موردنظر می پردازیم.

### عنوان:

عنوان داستانک از اهمیت بسزایی در گفتمان داستانک برخوردار است. نویسنده با انتخاب عنوان بسیاری از آنچه مد نظر دارد را به خواننده منتقل می کند و خواننده را وا می دارد تا از زاویه دیدی مشخص به اثر داستانی بنگرد. سوره های قرآن هر یک نام مشخصی دارند و در برخی از آنها چند داستان در انواع مختلف روایت شده است. از سویی هر یک از این داستان ها موضوع متفاوتی را روایت می کنند و لذا نمی توان بر همه آن ها نام سوره را اطلاق کرد، اما با توجه به مفهوم کلی که از عنوان سوره برداشت می شود، می توان نام های مناسبی که با عنوان سوره در ارتباط هستند، را برای این داستان ها برگزید. ما از داستانک سوره نحل با عنوان "خیر کثیر" یاد می کنیم. چرایی این مسأله به عنوان سوره نحل باز می گردد. نحل بر زنبور عسل اطلاق می شود. خداوند متعال در این سوره مبارکه در میان سخن از نعمت هایی که بر انسان فرو فرستاده به زنبور عسل اشاره کرده و آن را شفاء خوانده و همگان را به تفکر درباره اش فرا خوانده است. در ادامه در آیات ۵۸ و ۵۹ به داستانک اعرابی اشاره کرده است؛ داستانکی که با محوریت موضوع زن (جنس مؤنث) پردازش شده است. با توجه به ارتباط همه اجزای سوره و بافت منسجم سور قرآنی می توان زن را نیز از یکی نعمت های خداوند دانست که چون زنبور عسل مایه خیر کثیر است. از سوی دیگر خواننده با دیدن این عنوان به پیام داستانک قرآنی بهتر رهنمون می شود.

چنانچه تضاد موجود بین این عنوان و عمل عرب جاهلی بیانگر تفاوت باید‌ها و هست‌ها می‌شود.

### بسیار کوتاه بودن:

وقتی در داستانک از حجم بسیار کم سخن می‌گوییم، این نکته را از نظر دور نمی‌داریم که کوتاه بودن متن داستانک به خودی خود کافی نیست. منظور از داستانک روایت حادثه‌ای بسیار کوتاه در تعداد کلمات کمتر از ۱۵۰۰ کلمه است. هر چند در حد اکثر کلماتی که می‌توان در یک داستانک بکار برد نیز اختلافاتی دیده می‌شود. بنا براین خلاصه داستان‌ها از دایره موردنظر خارج می‌شوند؛ زیرا این متن‌ها روایتگر حادثه‌ای چه بسا به بلندی یک عمر ۱۰۰۰ ساله در کمتر از چند سطر هستند. خلاصه داستان موضوع سخن ما نیست، زیرا هیچ کس معتقد نیست که عمر خلاصه نویسی به کوتاهی سه دهه باشد و همه می‌دانند که این کار از مدتها پیش صورت می‌گرفته است.

در قرآن کریم در بسیاری از موارد خود را در مقابل خلاصه داستان‌ها می‌یابیم. روایت مختصر زندگی پیامبران الهی که به حفظ توالی یکی پس از دیگری در چند سطر آمده‌اند، خلاصه داستان‌هایی هستند که در جای دیگری قابل بحث و بررسی‌اند. اما در عین حال نمونه‌هایی در قرآن کریم دیده می‌شوند که علاوه بر کوتاهی متن حادثه بسیار کوتاهی را نیز روایت می‌کنند. داستانک "خیر کثیر" نیز از همین دست است. پیشتر به کوتاه بودن متن این داستانک قرآنی، و محدود بودن آن به کم‌تر از دو سطر اشاره کردیم. این داستانک در ۳۰ کلمه روایت شده است و مقایسه این تعداد کلمه با قالب داستانک آن را در میان داستانک‌های برق‌آسا (کوتاه‌ترین شکل داستانک) جای می‌دهد. حادثه‌ای که این داستانک روایت می‌کند بیانگر لحظاتی از عمر عربی جاهلی است که از متولد شدن دخترش مطلع می‌شود، و مدت بسیار کوتاهی را به تصویر می‌کشد. به این ترتیب داستانک مورد نظر هم از نظر متن و هم از نظر حادثه بسیار کوتاه است و از این نظر با مدل داستانک فنی کاملاً مطابقت دارد.

## داستانی بودن:

### عنصر شخصیت:

عنصر شخصیت یکی از مهمترین عوامل طرح داستان به شمار می رود. علی یونسی در این باره می نویسد: "مهم ترین عنصر منتقل کننده تم داستان و مهم ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است که می تواند ساده یا بغرنج، ساکن یا گسترش یابنده، قهرمان یا سیاهی لشگر، ساده یا جامع باشد. (یونسی، ۱۳۹۲: ۳۳) بیشتر اشاره شد که داستانک باید کم شخصیت باشد. حال با توجه به نمونه هایی که ذکر شد و با بررسی دیگر نمونه ها در می یابیم که کم شخصیتی داستانک تابعی از کوتاه بودن زمان و محدود بودن مکان و کوتاه بودن حادثه داستان است. داستانک ها اغلب یک مقطع کوچک از زندگی شخصیت داستان را روایت می کنند. لذا شخصیت های داستانک اغلب از ۱ یا ۲ شخصیت فراتر نمی رود.

شخصیت داستانی در داستانک سوره نحل یک عرب بادیه نشین که شخصیتی خاکستری، ساده، ایستا و تک بعدی دارد و حرکت در خلاف جهت رسم و رسوم قبیله ای برای او ننگ محسوب می شود.

### کشمکش و گره داستان

داستان زمانی آغاز می شود که کشمکشی در چارچوب داستان منجر به ایجاد گره ای شود و فضای آن را به سوی بحران و عدم تعادل پیش برد. (ن.ک: خطیب، ۱۹۷۵: ۱۹۳) عنصر کشمکش در داستان های قرآنی را می توان بین نیروهای خیر و شر که در قالب نیکوکاران و کافران بروز می یابد، مشاهده کرد. در نمونه هایی که ما آنها را داستانک می خوانیم نیز این کشمکش قابل مشاهده است.

کشمکش در این داستانک درونی است. مرد عرب جاهلی در حال زندگی روزمره و منتظر ولادت فرزند است و طبیعتاً این ار باید برای او خوشایند تلقی شود، اما ناگهان خبر می رسد که نوزاد دختر است. اینجاست که کشمکش روحی وی او را به سوی بحران سوق می دهد. او با عصبانیتی شدید از حادثه رخ داده با خود می اندیشد که نوزاد را با خفت و خواری نگه

دارد یا آن را زنده به گور کند. البته پایان این داستان باز گذارده شده تا خواننده خود آن را رسم کند، و این نیز از تکنیک هایی است که تا مدتها جایی در ادبیات انسانی نداشت.

### شروع و پایان داستانک:

چنانچه پیشتر بیان شد، داستانک باید شروع سریعی داشته باشد و بدون مقدمه چینی و معرفی شخصیتها وارد داستان شود. شروع داستانک در داستان های قرآنی به شکل های گوناگونی دیده می شود، گاه با یک پرسش و در بیشتر اوقات با ظرف (إذ). این ظرف زمانی نشانگر روایت برشی از زندگی است. داستانک "خیر کثیر" نیز از همین تکنیک بهره گرفته و اینگونه آغاز شده است: (وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ... - نحل: ۵۸). ملاحظه می کنیم که داستانک بدون روایت پیش زمینه ای از موقعیت فرهنگی - اجتماعی و یا به عبارت دیگر بدون ترسیم صحنه داستان و تعریف شخصیت داستان ناگهان وارد متن کار می شود. چگونگی درک متلقى از موقعیت مورد نظر به روابط بینامتنی بستگی دارد، که خود نقش بی بدیلی در ارزیابی سطح ادبی این داستانک ایفا می کند. خواننده لازم است ضمن آشنایی با فرهنگ حاکم بر زمان نزول آیات وحی بر شبهه جزیره عربستان، مرجع ضمیر غایب (هم) در آیه ۵۸ را شناسایی کند. این ضمیر هر چند به طور کلی به مشرکان اطلاق می شود، اما با توجه به متون تاریخی گروهی از آنها را مورد نظر قرار می دهد. از سوی دیگر نامشخص بودن شخصیت داستانی و امکان صدق آن بر گروهی از انسان ها خود یکی از ویژگی های داستانک های فنی است که در این اثر نیز قابل مشاهده است.

لیلا گازمن معتقد است آغاز، میانه و پایان داستانک باید به وضوح در آن قابل شناسایی باشد در غیر این صورت نوشته حاصل تکه ای از یک داستان بلندتر است. (ن.ک: جزینی، ۱۳۷۸: ۱۸) داستانک "خیر کثیر" با روایت لحظه رسیدن خبر تولد نوزاد دختر به مرد عرب آغاز می شود، با روایت حالات روحی پریشان او که در دو راهی عاطفه و شرف حیران و سرگردان است، ادامه یافته و پایان را باز گذارده تا علاوه بر زیبایی اثر، خواننده را در اثر داستانی شرکت دهد. این تکنیک که در زبان عربی از آن به نظریه التلقى (نظریه برداشت های متفاوت) یاد می شود، از نظریاتی است که در ادبیات انسانی عمر چندانی ندارد و قرآن کریم در آن پیشتاز است.

### جوهره داستانی قوی و درونمایه حسی

از آنجا که داستانک حجم بسیار کمی دارد، مهمترین عنصری که می تواند خواننده را به آن جذب کند، قصه، رخداد و حادثه داستان آن است. این حادثه باید چنان تأثیرگذار باشد، که ذهن خواننده را درگیر و حس رضایتمندی را در وی ایجاد کند. از آنجا که داستانک های قرآنی عموماً درباره موضوعات الهی و اخبار گذشتگان سخن می گوید، برای خواننده جذابند. زیرا این موضوعات مواردی هستند که با وجود روایت برخی از آنها در کتب مقدس پیشین، برای اغلب خوانندگان که ارتباط چندانی با این کتب ندارند تازگی دارد، به علاوه اینکه روایت قرآن تفاوت هایی دارد که داستانک های قرآنی را متمایز می کند. در قرآن کریم این خود روایت تاریخی نیست که هدف قرار گرفته بلکه داستانک دربردارنده نکته تأمل برانگیزی است که هدف ذکر آن در قرآن را توضیح می دهد. برخی از داستانک ها نیز از عادات بد اجتماعی سخن گفته و آنها را به چالش می کشند، و داستانک "خیر کثیر" نیز از همین سنخ است. در این داستانک سنت زنده به گور کردن دختران در بین برخی از اعراب شبه جزیره عربستان تقبیح شده است. حادثه داستان بسیار تکان دهنده است: شرمساری از دختر بودن نوزاد تا مرز حیرانی بین کشتن او و یا نگه داشتن خفت بارش. این یکی از موضوعاتی است که تا زمان نزول آیه کسی به آن نپرداخته بوده است؛ به عبارت دیگر قرآن سنت شکنی کرده است.

### تکیه بر عنصر گفتگو

با توجه به کوتاه بودن داستانک ها، محدود بودن کنش ها طبیعی و قابل انتظار می نماید. در نمونه های قرآنی این نوع ادبی نیز این ویژگی قابل مشاهده است. تنها کنش صورت گرفته از شخصیت داستان فرار از قوم و قبیله از فرط شرمساری است و دیگر افعال نشانگر شوش یا همان حالت های وی هستند.

اما در خصوص عنصر گفتگو لازم است ابتدا درباره انواع گفتگو سخن گوئیم. میر صادقی در تعریف گفتگو می گوید: «صحبتی را که میان دو شخص یا بیشتر رد و بدل می شود، یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثری ادبی (داستان، نمایشنامه، شعر، ...) پیش می آید، گفتگو می نامند. (میر صادقی، ۱۳۹۲: ۴۶۶) گفتگو گاه خارجی و گاه داخلی است. منظور از

گفتگوی داخلی که از آن به حدیث نفس هم تعبیر می کنند، گفتگوی درونی شخصیت داستانی با خویشتن خویش است. به عبارت دیگر تفکرات شخص، و تقابل من نفسانی با من وجدانی را حدیث نفس می خوانند.

در داستانک مورد نظر عرب جاهلی پس از شنیدن خبر با خویشتن خویش درگیر می شود و هر چند ما در داستان کلماتی دال بر گفتگو نمی یابیم، اما حالت دورنی و درگیر نفسانی او در داستان روایت شده است. او با خود در جنگ است؛ دلش او را به حفظ ثمره وجود خود امر می کند و غرور و منیتش او را به تن دادن به فرهنگ حاکم بر جامعه جاهلی ترغیب می کند و این جدال و کشمکش دورنی بیانگر یک گفتگوی داخلی و دورنی است.

### زبان داستانک قرآنی:

در داستانک از زبان برای به تصویر کشیدن حوادث داستان استفاده می شود. زبان داستانک ساده است و الفاظ فقط بر معانی حقیقی خود دلالت می کند و از این رو هر قید یا صفتی که دلالت بیرونی ندارد، حذف می شود. (ن.ک: جزینی، ۱۳۹۴: ۲۸)

بنا بر دیدگاه قرآن پژوهان «زبان قرآن، زبان عرف خاص است که واقع نما و معرفت بخش بوده و ترکیبی از زبان عرف عام، زبان ادبی، علمی و... است.» (ن.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۹۶) این ویژگی مربوط به همه قرآن به عنوان یک مجموعه کامل است و طبعا شامل داستانک ها نیز می شود. «عرفی بودن شیوه زبان قرآن بدین معناست که نازل کننده قرآن نیز برای تفهیم مقاصد خود از زبان و واژگان موجود و متعارف در میان بشر و ساختار جمله بندی صحیح آن نظام که عموم مردم در گفتگوهای روزمره خویش به کار می برند، سود برده است.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۶: ۱۱) و منظور از عرف خاص نیز رمزآگین بودن سخن و وجود آیات متشابه و نیز صنایع بیانی از قبیل استعاره و تشبیه و تمثیل و مجاز است و فهم آن نیازمند علم به این جنبه هاست.

آیت الله جوادی آملی معتقد است که قرآن کریم از طریق فرهنگ فطرت پایدار و تغییر ناپذیر انسانی با انسان ها سخن می گوید: «مخاطب آن فطرت انسان ها و رسالت آن شکوفا کردن فطرت هاست و از همین رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشری است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۳/۱)

با مراجعه به قرآن کریم به صورت عام و داستان های خیلی کوتاه به طور خاص در می یابیم که زبان قرآن سهل و ممتنع است. از یک سو سطحی از سطوح معرفتی اش برای مردم عادی قابل دسترسی است و از سوی دیگر دربردارنده معانی عظیم و ژرف بوده و از نظر رتبه ادبی در جایگاه والایی است.

چنان که گذشت زبان داستانک از یک سو چنان ساده است که برای همه خوانندگان قابل فهم است و از یک سو از قابلیت های ادبی به خوبی برخوردار است. عبارات این نمونه ها بسیار روشن و کلمات بکار رفته در آن از نوع همان کلماتی است که بر زبان مردم جاری می شود.

داستانک "خیر کثیر" از یک سو با جملاتی ساده و افعالی روان روایت شده و خالی از صفات است و از سوی دیگر به صورت محدود دربردارنده صنایع بیانی است، چنانچه عبارت (ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا) کنایه از شدت عصبانیت است.

در داستانک های عربی به منظور بسیار کوتاه شدن و سادگی جملات از جمله های فعلیه استفاده می شود، تا بدین ترتیب حرکت و پویایی و حادثه محور بودن داستانک به خوبی تداعی شود. با تقطیع جملات داستانک «خیر کثیر» - فارغ از جای داشتن برخی در قالب جملات مرکب - به ۹ جمله ساده می رسیم. از بین این جملات ۶ جمله فعلیه و ۳ جمله اسمیه است و از بین جملات اسمیه ۲ جمله منسوخ است و با فعل های ناقص و غیر متصرف آغاز شده اند. همه جملات اعم از فعلیه و اسمیه متشکل از ارکان اصلی بوده و فقط در یک مورد (يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ) توضیحات تکمیلی به صورت متمم قید شده است که البته ضروری می نماید.

جملات فعلیه موجود در داستانک عبارتند از: بُشِّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنثَى / يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ / بُشِّرَ بِهِ / أَيُمْسِكُ عَلَى هُونٍ / يَدْسُهُ فِي التَّرَابِ /

جملات اسمیه: ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا / وَهُوَ كَظِيمٍ / سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

## فشردگی

منظور از فشردگی که برخی آن را اصطلاحی منقول از علم روانشناسی به ساحت ادبیات می دانند، تلفیق عناصر مختلف و عناصر ساختاری متناقض و متباین و مشابه در یک مجموعه واحد است که نه فقط بیانگر کم بودن تعداد واژگان داستانک، بلکه عامل مؤثر در کوتاهی عنصر حدث و ضامن حفظ یکپارچگی داستانک بشمار می رود. (ن.ک: ایلیاس، ۲۰۱۱) این عنصر زیربنایی بر سطح معنایی داستانک تأثیرگذار بوده و امکان قرائت های متفاوت و متعدد از آن را فراهم می کند. (ن.ک: حمداوی، ۲۰۱۳) حطینی سطح فشردگی داستانک را معیاری برای ارزیابی مهارت داستانک نویس دانسته و تأکید می کند این فشردگی باید تا آنجا پیش رود که به داستانی بودن متن، زاویه دید و شخصیت های داستان خللی وارد نکند. (ن.ک: حمداوی، ۲۰۱۱)

با توجه به آنچه گذشت، می توان از عنصر فشردگی به گنجاندن مفاهیم عمیق در فضایی بسیار محدود تعبیر کرد به گونه ای که این امر موجب خللی در داستان نشود.

داستانک "خیر کثیر" با محوریت موضوع جایگاه زن در جامعه و رد باورهای غلط اجتماعی درباره او بویژه در دوران جاهلیت نزد برخی اعراب جاهلی، با به تصویر کشیدن لحظه خبر دار شدن عرب جاهلی از تولد دخترش و تقبیح رفتار او، باورهای تحقیرگرانه نسبت به زن را مردود دانسته و از آن به بدی یاد می کند. موضوع زن و ارزشی که یک جامعه برای او قائل است و نوع رفتار با او در هر جامعه از دیرباز یکی از معیارهای مهم در ارزیابی فرهنگ کشورها بوده وهست. قرآن کریم در دو سطر و در قالب داستانی فشرده به این موضوع مهم که هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده، پرداخته است. از جمله پیام های این داستانک برای خوانندگان به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. ظلم و ستم به زن مردود است.

۲. بسیاری اوقات انسان در مواجهه با فشارهای اجتماعی راه سختی را در انتخاب راه درست متحمل می شود، در همه این حالات شایسته است پیرو فطرت سلیم خویش بوده و تسلیم باورهای غلط نشود.

۳. یکی از نشانه های جامعه سالم و خدایپسند، محترم بودن زن و رعایت حقوق اوست که نباید نادیده انگاشته شود.

## ویژگی های بیانی داستانک

### هماهنگی واژگانی

یکی از ویژگی های بیان قرآنی هارمونی موسیقایی واژگان و حروف است، به نحوی که بین صفات حروف بکار رفته و معنای مورد نظر از جمله سنخیت و هماهنگی دیده می شود. در داستانک "خیر کثیر" با بررسی واژگان (بَشِيرٌ، وَوَجْهٌ، وَمُسَوِّدًا، وَكَظِيمٌ، الْقَوْمِ، وَيُمْسِكُ، أُمٌ، يَدْسٌ، وَالتَّرَابِ) روشن می شود که مخرج بیشتر حروف لب، ابتدای زبان و دندان هاست و حروف حلقی آن بسیار کم و نزدیک به صفر است. اما از سوی دیگر حروف مجهور و شدید در آن زیاد است. کوتاه سخن آنکه بررسی حروف این داستانک نشان می دهد حادثه صورت گرفته در آن آشکار و بارز است، از قلب بر نمی آید، و خشن است. مقایسه این برداشت لفظی با مفهوم داستانک هماهنگی لفظ و معنا در آن را به خوبی نشان می دهد.

این هماهنگی و هارمونی نه تنها در کل اثر قابل شناسایی است بلکه کلمات نیز با معانی خود در تناسبند.

به عنوان مثال کلمه (الأنثى) به واسطه همزه که با وضوح و تیزی ادا می شود، و نون که در قلب کلمه قرار گرفته و نشان دهنده ثبات و لطافت و زیبایی و آرامش است و حرف ثاء که به لفظ لطافت می بخشد، بر جنس زن که دربردارنده این صفات است اطلاق می شود. قرآن کریم به جای کلماتی چون (بنت) یا (مولودة) یا نظایر آن از لفظ (أنثى) استفاده کرده تا با استفاده از تیزی حرف آغازینش توجه شنونده را به موضوع سخن جلب کند.

کلمه (الهنون) نیز به خوبی بیانگر این تناسب بین موسیقی و معنای لفظ است. هر سه حرف بکار رفته در این واژه از صفت (رخوة) بر خوردار بوده و سبک ادا می شوند، این صفات نشان دهنده معنای لفظی کلمه است. از سوی دیگر دو حرف از سه حرف احساسی و یکی بصری است، تا بدین واسطه صبغه دو چندان احساس در مفهوم ضعف بر صبغه علائم دیداری آن نشان داده شود. حرف هاء به واسطه موسیقی و مخرج ادایش به خوبی نقش خود را در

انتقال حس یأس و ناتوانی و نگرانی های مرد عرب ایفا می کند و بالاخره حرف نون با توجه به اینکه از خیشوم ادا می شود به درونی بودن احساس ضعف و خواری اشاره دارد. این هماهنگی ها زیبایی زبان قرآن را دو چندان می کند.

### حذف

یکی دیگر از تکنیک های بیانی در متون استفاده از حذف است. حذف مناسب سبب ایجاز در سخن و افزایش بار معنایی در حجم کم می شود که به عنصر فشردگی در متن کمک می کند. در داستانک "خیر کثیر" فعل به صورت مجهول آمده و فاعل یا همان خبر دهنده با توجه به تأثیر گذار نبودن در حادثه داستانی حذف شده است تا همه توجهات به مفعول یا همان مرد عرب جاهلی معطوف شود. در ادامه شاهد پرشی از بیان حالت روحی وی به گفتگوی دورنی او هستیم، بدون اینکه از واژه هایی مثل (یفکر) یا (یسأل نفسه) استفاده شود. در واقع خواننده به واسطه تصویر رسم شده شخصیت داستان پی می برد که این عبارات (أَيْمُسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ) کشمکش درونی شخصیت داستان است. اما این حذف به ایجاز و زیبایی کلام کمک کرده است.

## نتیجه

آیات ۵۸ و ۸۹ سوره مبارکه نحل که دربردارنده سنت دختر کشی در میان برخی قبایل عرب جاهلی است، با توجه به هماهنگی با الگوی داستان خیلی کوتاه یا همان داستانک، یک داستانک قرآنی است. بسیار کوتاه و تک شخصیتی بودن، بهره مندی از عناصر داستانی - که لازمه صحت اطلاق نام داستانک بر این داستان قرآنی است، شروع سریع و بی مقدمه داستان، بهره مندی از جوهره داستانی قوی با به چالش کشیدن موضوع جایگاه انسانی زن، تکیه بر عنصر گفتگو، بهره مندی از ویژگی های بارز زبانی و بیانی، و فشرده گی متن نمونه داستانی سوره مبارکه نحل، که منجر به سرشاری متنی بسیار کوتاه از مفهوم شده و امکان تعدد قراءات را فراهم کرده، همه و همه مؤید داستانک بودن نمونه داستانی سوره نحل است، که از آن به داستانک "خیر کثیر" یاد کردیم.

داستانک های قرآنی در برخورداری از ارکان داستانک، با داستانک های فنی هماهنگ اند و از این رو می توان گفت، منشأ پیدایش داستانک نه ادبیات غربی، بلکه ادبیات اسلامی - قرآنی است؛ البته به لحاظ موضوعات مطرح در داستانک های قرآنی که نمونه سوره نحل یکی از آن هاست، تفاوت هایی بین این داستانک ها و داستانک های فنی دیده می شود، اما داستانک موضوع مقاله حتی از این نظر نیز مشابه داستانک های فنی است، زیرا یکی از موضوعات اجتماعی که علیرغم گذر سالیان مدید، همچنان زنده و مطرح است، را به چالش کشیده است. از آنجا که داستان های قرآنی لابلای آیات دیگر ذکر شده و عناوین مشخصی ندارند، و با توجه به موضوع ثابت شده انسجام و پیوستگی موضوعی سور قرآن کریم، عنوان "خیر کثیر" که بر ذات الهی زن اشاره دارد، می تواند به خوبی بیانگر موضوع داستانک سوره مبارکه نحل باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی
۳. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۷)، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت
۴. اشرفی، عباس، (۱۳۹۰)، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، چاپ دوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل
۵. الحسین، أحمد جاسم (۱۹۹۷)، القصة القصيرة جداً، لا ط، دمشق، منشورات دار عكرمة للطباعة والنشر والتوزيع
۶. جزینی، محمد جواد، (۱۳۹۰)، داستانک (فلش فیکشن)، چاپ اول، تهران، انتشارات هزاره ققنوس
۷. جزینی، محمد جواد، (۱۳۹۴)، «ریخت شناسی داستان های مینی مالیستی»، چاپ اول، تهران، نشر ثالث
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، چاپ اول، قم، مؤسسه اسراء
۹. حسینی (ژرفا)، ابوالقاسم، (۱۳۷۹)، مبانی هنری قصه های قرآن، قم، انتشارات مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما
۱۰. <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show/id/85>
۱۱. الخطیب، عبدالکریم، (۱۹۷۵)، القصص القرآنی فی منطوقه ومفهومه مع دراسة تطبیقیة لقصتی آدم و یوسف، ط ۲، بیروت، دارالمعرفة
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد دهم، پایگاه جامع قرآن کریم
۱۳. <http://quran.anhar.ir/tafsirfull-13671.htm>
۱۴. طبرسی، فضل بن الحسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نسخه اینترنتی
۱۵. <http://hodaalquran.com/rbook.php?id=1562&mn=1>
۱۶. میرصادقی، جمال، (۱۳۹۲)، عناصر داستان، چاپ هشتم، تهران، سخن
۱۷. یوب، محمد، (۲۰۱۵)، القصة القصيرة جداً الخروج عن الإطار، شارقة، دائرة الثقافة والإعلام
۱۸. یونسی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، هنر داستان نویسی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات نگاه

## نشریه:

۱. إلیاس، خلف جاسم، (۲۰۱۱)، «التكشيف في القصة القصيرة جداً»  
<http://www.yemeress.com/algomhoriah/> a ۲۱۴۵۰۱۰
۲. أمعشوشو، فرید، (۲۰۱۳)، «القصة القصيرة جداً: الخصائص والجماليات»  
<http://www.alarab.co.uk/?p=۳۲۱۶۰> a
۳. الحمداوی، جمیل، (دیسمبر ۲۰۰۶)، «القصة القصيرة جداً جنس أدبی جدید»

a. [www.diwanalarab.com](http://www.diwanalarab.com)

۴. الحمداوی، جمیل، (دیسمبر ۲۰۱۱)، «أنواع الجملة ومقاييسها في القصة القصيرة جداً»  
a. <http://www.dahsha.com/showthread.php?t=62327&page=1>
۵. الحمداوی، جمیل، (أبریل ۲۰۱۳)، «أركان القصة القصيرة جداً ومكوناتها الداخلية»، مجلة المتحرر  
الالكترونية،  
<http://smouafki.3abber.com/post/148559>
۶. دولتيان، سمیه، (۱۳۸۸)، «بررسی شروع داستان در داستانک»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۲، ص  
۶۸-۷۱
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۸)، « زبان قرآن عرف عام یا خاص»، پژوهشنامه علوم و  
معارف قرآن کریم، شماره ۳، ص ۷۹-۱۰۰
۸. سرشار، محمدرضا، (۱۳۷۷)، « حکایت و مختصات آن»، ادبیات داستانی، شماره ۴۶، ص ۲۱-۲۶
۹. سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۸۶)، « شیوه شناسی زبان قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث،  
شماره ۲، ص ۵-۲۴
۱۰. محمد علی، محمد، (۱۳۹۰)، «مقدمه ای بر داستان های مینی مالیستی»، مجله آشتی، شماره ۸

#### ۱۱. منابع لاتین:

12. Webster's Encyclopedic Unabridged Dictionary of the English Language, (۱۹۸۹), GRAMERCY Books, New York: AVENEL

